

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان

۰۴ اپریل ۲۰۱۲

۵۰ هزار کودک برده و چپاول ۸ میلیارد دالر

به وسیله مشاوران غارتگر

کابل، شهری است دردناک برای زحمتکشان. هر چند بعد زحمتکشی در این شهر به کام مرگ می رود. انفجار، قتل، کشتار، سردی، گرد و غبار، کار طاقت فرسا و توهین و تحقیر حاکمان این شهر را برای زحمتکشان کشور ما به زندان مرگ آور تبدیل کرده است.

کابل، شهری است که آن را می توان بزرگترین پایتخت کودکان برده جهان دانست. همین اکنون در اطراف این شهر بیشتر از ۵۰ هزار کودک در کوره های خشت پزی به شکل برده و اسیر کار می کنند و نزدیک به ۵۰ هزار دیگر در درون شهر مصروف کار های شاقه می باشند و به طور مجموعی در حدود یک و نیم میلیون کودک افغان به شکل کارگران خردسال مصروف کار های شاقه و طاقت فرسا می باشند.

کودکانی که در داش های خشت پزی ده سبز، بگرامی و پای منار کار می کنند عمر شان کمتر از ۵ سال می باشد و از خانواده های کارگرانی می آیند که در سه دهه گذشته قربانی جنایت های حزب دموکراتیک خلق، تنظیم های جنگسالار، طالبان و امریکائی ها و ناتوئی های بمب افکن شده اند.

این کودکان کارگر از ساعت چهار صبح در کوره های خشت پزی کار را آغاز می کنند و تا هفت شام با عرق ریزی کار می کنند و در بدل هزار خشت، فقط ۳۸۰ افغانی به دست می آورند، در حالیکه چپاولگران و غارتگران خارجی به نام مشاور که اکثر مردم ما آنها را به چشم جاسوس می بینند و در زمینه کشتار و چپاول مردم ما به اربابان شان مشوره می دهند، در ده سال گذشته ۸ میلیارد دالر را به نام های مختلف به جیب زده اند.

ما در اینجا صحبت های چند تا کودک کارگر را نقل می کنیم و از خوانندگان عزیز نشریه زیار می خواهیم تا خود قضاوت کنند که خارجی هائی که خود را «مدافع حقوق کودکان» می دانند و کودکان زحمتکشان را می کشند و مشاوران شان در ده سال گذشته میلیاردها دالر را به نام مشوره دهی به جیب می زنند و حاکمان کنونی که از «منافع مردم» گپ می زنند ولی خود شهرک و کارخانه و شرکت می سازند و ذره ای هم در فکر خدمت به

زحمتکشان نبوده و بوده هم نمی توانند و یا خود چپاولگر و غارتگر هستند و یا از سائر غارتگران دفاع می کنند، با صحبت های دردناک این کودکان معصوم که در چند کیلومتری شان اسیر و برده کوره های خشت پزی ثروتمندانی می باشند که دولت کنونی از آنان می باشد، عرق شرم بر پیشانی شان جاری خواهد شد، باور ما این نیست که نه!

این هم صحبت های چند کودک کارگر:

- انیسه گل (دختر ده ساله): «وقتی ساعت چهار صبح پدرم مرا از خواب بیدار می کند تا به کار بروم، واقعاً ناراحت می شوم... اوقات کار بسیار دراز است و اکثراً در حین کار مرا خواب می برد... کار ما از ساعت چهار صبح شروع و تا هفت شام ادامه پیدا می کند.»

- حضرت گل: «راضی نیستم به خاطر این که پدرم به زور بالایم کار می کند و می گوید اگر کار نکنم همه ما گرسنه می مانیم. این حرف های پدرم مرا وادار می سازد تا از کارم رضایت داشته باشم. من هر روز، از وقت اذان نماز صبح، به کارم شروع می کنم و تا شام آن قدر مانده و خسته می شوم که حتی توان آن را نمی داشته باشم تا دست و روی خود را با آب، تازه کنم.»

- بی بی شیرین: «در این داش خشت چهار خواهر دیگرم که نسبت به من خردتر هستند نیز یکجا با پدرم کار می کنند. کار ما بسیار شاقه و سخت است. پدرم ضعیف و مریض است، از همین خاطر اکثر کارها را من و خواهرانم یکجا با مادرم انجام می دهیم.»

ما زحمتکشان به این باور هستیم که شب هر چقدر طولانی باشد، بالاخره سحر می آید و به همین خاطر مطمئن هستیم که این کودکان دیر یا زود دست های شان را که اکنون در گل داش های خشت پزی زمخت شده است، برای گرفتن حق شان از تمامی غارتگران و چپاولگران چه داخلی و چه خارجی بالا خواهند نمود.